

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی
۱۰ مارچ ۲۰۲۲

هفتاد و یکمین جلسه دادگاه حمید نوری در ستهلم!

هفتاد و یکمین جلسه دادگاه حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷، روز چهارشنبه هجدهم اسفند ۱۴۰۰، در ستهلم برگزار شد.

هفتاد و یکمین جلسه دادگاه حمید نوری، حمید نوری متهم به بخشی از اتهامات خود پاسخ داد. در این جلسه دادگاه محاکمه حمید نوری در سویدن، وکلا به دفاع از او پرداختند.

در دادگاه امروز وکلا سئوالاتی نیز از رحمان درکشیده، همسایه پیشین حمید نوری و زندانی سیاسی سابق پرسیدند. همزمان امروز گزارش‌هایی از تشنج در بیرون فضای دادگاه حمید نوری منتشر شد.

هفتاد و دومین جلسه رسیدگی به پرونده حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام زندانیان سیاسی در زندان گوهردشت در تابستان ۱۳۶۷ روز چهارشنبه هجدهم اسفند ۱۴۰۰ در ستهلم سویدن برگزار شد.

دومین جلسه از دور دوم دفاعیات متهم، دانیل مارکوس و توماس سوردکویست، وکلای مدافع نوری، استراتژی کلیدی خود را در این جلسه نیز پی گرفتند. آنها با تکمیل مدارک قبلی سعی کردند تا اختلافات موجود میان شهادت برخی از شاهدان در دادگاه با شهادت‌های ثبت شده شان در گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری دیگر مانند ایران تریبونال و بنیاد عبدالرحمان برومند و عدالت برای ایران را برجسته سازند. این شهادت‌ها همگی در سال‌های پیش از دستگیری حمید نوری در سویدن انجام شده است.

وکلا مدافع حمید نوری به جزئیات روایت افرادی مانند عصمت طالبی، مختار شالوند، ویدا رستمی و لاله بازرگان و... پرداختند و موارد اختلافات در زمان، محل و نوع اعدام زندانیان را برای اعضاء دادگاه توضیح دادند.

وکلا مدافع حمید نوری صحت شهادت اشخاصی مانند اصغر مهدی زاده، محمدخدا بنده لو، حسین ملکی، منوچهر اسحاقی را زیر سوال بردند و تاکید کردند که اسم عباسی نه در گذشته بلکه بعد از دستگیری به روایت این افراد اضافه شده است. از دیگر اسامی شاهدان مطرح شده در جلسه امروز توسط وکلای متهم می توان به حسین فارسی، محمد خدا بنده لو، حسین ملکی، رحمان درکشیده و امیر هوشنگ اطمیابی اشاره کرد.

وکلا مدافع حمید نوری همچنین توضیح دادند که مهدی اصلانی، یکی از شاهدان این پرونده شهادت داده که حمید عباسی او و چند زندانی دیگر را در ششم شهریور ۶۷ صدا زد و به نزد هیات مرگ برد. وکیل نوری گفت اما مهدی اصلانی در توضیح همین خاطره در کتاب «کلاغ و گل سرخ» خود، به جای عباسی به یک نگهبان و نصریان اشاره کرده است.

بخش دیگری از جلسه دفاعیه امروز حمید نوری به ادامه بازجویی وکلای مدافع متهم از رحمان درکشیده، زندانی سیاسی جان به در برده از اعدام‌ها و یکی از شاهدان این پرونده اختصاص داشت. رحمان درکشیده به وسیله ویدئو برای دومین بار از هلند در دادگاه شرکت کرد. وی در مرحله نخست بازجویی خود در دادگاه شهادت داد که بچه محل و همسایه متهم و خانواده‌اش در تهران بوده است.



خانواده نوری در دادگاه

در هفتاد و یکمین جلسه محاکمه حمید نوری، وکلای او در یکی از اصلی‌ترین ادله خود برای اثبات برائت متهم گفتند اظهارات بسیاری از شاهدان و شاکیان پرونده پیش و پس از بازداشت موکل‌شان با یکدیگر متناقض است. آن‌ها ادعا کردند این تناقضات هم شامل خانواده کشته‌شدگان است و هم شامل زندانیان سیاسی جان بدر برده. وکلای نوری امروز در دادگاه ادعا کردند پیش از دستگیری موکل‌شان، شماری از شاهدان و شاکیان پرونده در اظهارات‌شان نامی از حمید نوری یا نام مستعار عباسی نبرده بودند. وکلای نوری همچنین اضافه کردند برخی از شاهدان و شاکیان پیش‌تر محل اعدام برخی از زندانیان سیاسی را زندان اوین عنوان کرده بودند و نه زندان گوهردشت. در کیفرخواست دادستانی سویدن نام برخی از کشته‌شدگان ذکر شده است.

در ادامه جلسه امروز رحمان درکشیده زندانی سیاسی چپ در دهه شصت مجدداً در دادگاه حاضر شد. رحمان درکشیده پیش از دستگیری همسایه حمید نوری بود.

در جلسه نهم مارس همچنین ادامه بازپرسی از «رحمان درکشیده» صورت گرفت. درکشیده در جریان شصت‌وسومین جلسه دادگاه حمید نوری به تاریخ ۲۷ ژانویه‌بهمن شهادت خود را ارائه داد، اما نوری گفت از او سؤالاتی دارد، به همین جهت جلسه تکمیلی امروز برگزار شد.

توماس ساندر، رییس دادگاه جلسه را رسماً آغاز کرد و گفت وکلای مدافع حمید نوری ادله اثباتی جدیدی که ارائه دادند را معرفی کنند. وکیل مدافع حمید نوری گفت اکثر این مدارک قبلاً تحویل داده شده، اما روی برخی از قسمت‌های آن‌ها تاکید بیشتری دارند.

وکیل مدافع حمید نوری گفت از پاورپوینت هم استفاده می‌کنند تا برخی قسمت‌های این مدارک را بهتر توضیح دهند. خانواده حمید نوری امروز نیز در جلسه دادگاه حضور دارند. وکیل مدافع حمید نوری ادله اثباتی جدید را که پرینت گرفته بود به رییس دادگاه و هیأت منصفه تحویل داد.

وکیل مدافع حمید نوری درباره بحث اثبات خودی چنین توضیح داد:

«هدفم این نیست دفاعیه را تحویل بدهم الان، اما همه افرادی که از آن‌ها بازجویی شده قبل از آن در مورد این مسئله صحبت کرده‌اند، مثلاً در بنیاد برومند و ایران تریبونال و جاهای دیگر و آن‌ها بعد از دستگیری حمید نوری اظهاراتشان را عوض کنند. آن‌ها درباره خویشاوندان‌شان که اعدام شدند صحبت‌شان نیز عوض شده، مثلاً این‌که کجا و چه زمان اعدام شده‌اند... و موضع ما این است بعد از دستگیری حمید نوری آن‌ها اسم حمید عباسی را اضافه کرده‌اند و می‌خواهم با کمک این مدارک آن را ثابت کنیم. در مقدمه با عادل طالبی در لیست ۳۰ شروع می‌کنیم، شاکی عصمت طالبی که سال گذشته با او مصاحبه شده و خواهر عادل طالبی است و مصاحبه‌ای ویدیویی با ایشان وجود دارد از «عدالت برای ایران» که به آن استناد می‌کنیم، ما دو روز قبل از بازپرسی از این شخص دسترسی به این ویدیو پیدا کردیم، اما دادستان فرصت این را داشتند درباره این فیلم از خانم طالبی سؤال بپرسند، تاریخ فیلم ۲۰۱۸ است و ۱۸ دقیقه است و عصمت طالبی می‌گوید به آن‌ها خبر دادند که عادل طالبی در اوین اعدام شده (وکیل اسکرین شات مصاحبه را نمایش گذاشت) ما ادعا می‌کنیم در این ۱۸ دقیقه هیچ حرفی از زندان گوهردشت نمی‌زنند. در مورد عادل طالبی باید گفت سازمان عفو بین‌الملل در نامه‌ای نوشته که شخصی به نام عادل طالبی در زندان اوین در خطر اعدام است و نوشته شده حکم حبس ابد دارد، تاریخ این نامه بعد از تاریخی است که دادستان ادعا می‌کند ارتکاب جرم صورت گرفته و از نامه عفو بین‌الملل چنین استنباط می‌شود که هنوز اعدام صورت نگرفته. مدرک بعدی گزارشی به نام «جنایت علیه بشریت» است که توسط شورای ملی مقاومت ایران تهیه شده و استنباط ما این است این سازمان شاخه‌ای از مجاهدین است و محتوای این گزارش لیست موجود در آن است و در این لیست اسم و تاریخ نوشته شده. اگر نگاه کنید شماره ۲۹۱۷ نوشته شده عادل طالبی در اوین اعدام شده.

مدرک بعدی لیست ایران تریبونال است و آن‌جا هم نوشته شده عادل طالبی در اکتبر ۱۹۸۸ در اوین اعدام شده، یعنی در زندان باز خارج از زمانی است که ادعا می‌کنند این شخص جرم مرتکب شده. باز هم پایین‌تر یک عادل طالبی دیگر هم هست که تاریخ اعدام نامشخص است. مدرک بعدی «کتاب سیاه» است که در آن هم نوشته شده عادل طالبی در اکتبر-نوامبر ۱۹۸۸ اعدام شده در اوین... دادستان‌ها نیز به بخش‌هایی از این کتاب استناد کرده‌اند.

عصمت طالبی در گفت‌وگو با زمانه درباره گفته‌های امروز وکلای مدافع حمید نوری گفت که آخرین ملاقات آن‌ها با عادل طالبی در زندان گوهردشت بود و او به همراه عده‌ای دیگر از یک بند زندان اوین به آن‌جا منتقل شده بود. اما در اوین به برادر او پس از سه ساعت بازجویی گفته بودند که عادل اعدام شده بود.

به باور عصمت طالبی، طبیعی است که وکیلان نوری برخی تناقض‌ها را در سخنان شاهد‌ها و شاکیان برای دفاع از متهم آشکار کنند.

وکیل مدافع حمید نوری صحبت‌های خود را این‌گونه ادامه داد:

«حالا در مورد حمزه شلالوند که در لیست ۵۱ است و برادرش مختار شلالوند ۲۵ اکتبر ۲۰۲۱ از او بازجویی شد... برگه از کتاب رقص ققنوس‌های ایرج مصداقی را نمایش می‌دهم که نوشته شده مابین این ۱۵۰ زندانی یکی حمزه شلالوند بود که ۱۱ خرداد ۶۷ از گوهردشت به اوین منتقل شد و او را به بند ۴ اوین می‌برند، هیچ جای دیگر در کتاب پیدا نمی‌کنم که آن‌ها به گوهردشت برگشته باشند. اگر به لیست ایران تریبونال هم نگاه کنیم، شماره ۴۱۰۷ حمزه شلالوند است که نوشته شده ۱۹۸۸ در اوین اعدام شده و اگر به لیست محمود رویایی هم نگاه کنیم آن‌جا هم نوشته شده حمزه شلالوند در مرداد ۶۷ در اوین اعدام شده، همچنین در لیست «جنایت علیه بشریت» نیز نوشته شده حمزه شلالوند در آگوست ۱۸۷۷ در اوین اعدام شده توسط جوخه اعدام... در کتاب مهدی اصلانی «آواز نگاه از دریچه تاریک» که ۲۰۲۰ منتشر شده بخشی در مورد مختار شلالوند وجود دارد که ما بعد از بازپرسی مختار شلالوند به دستمان رسید و

در این دادستان که در مورد برادر کوچکش حمزه شالوند صحبت می‌کند و می‌گوید: «به ما اطلاع داده شد که حمزه در اوین اعدام شده» و گفته حمزه را بردند نزد هیات مرگ و آن زمان در زندان اوین بوده، همچنین نوشته شده که مادر و خواهرش بعد از اعدام‌ها به زندان اوین می‌روند و آخرین ملاقات مادرش با حمزه دو سه هفته قبل از اعدامش بوده و هیچ‌کجا اسمی از زندان گوهردشت نیست.

سند دیگر کتابی از مهدی اصلانی است به نام «آخرین فرصت گل» که عکسی از حمزه شالوند گذاشته شده و نوشتند تاریخ اعدام مرداد ۶۷ در زندان اوین. به غیر از این ما به «کتاب سیاه» هم استناد می‌کنیم که حمزه شالوند از طریق جوخه اعدام کشته شد و در لیست مجاهدین می‌خواهیم بگوییم که ۴۴۴ نفر از هواداران مجاهدین ادعا می‌شود که در گوهردشت اعدام شدند، اما در این لیست مجاهدین هیچ حمزه شالوندی وجود ندارد... ما حمزه شالوند را در لیست دلجو آبادی هم پیدا نکردیم.»

وکیل مدافع حمید نوری در ادامه گفت:

«نفر بعدی بیژن بازرگان است و در لیست دادستان شماره سی ۶ است و در «کتاب سیاه» نوشته نشده که بیژن بازرگان اعدام شده باشد... در گزارش عفو بین‌الملل به نام اسرار آغشته به خون نوشته شده ادعا شده که بیژن بازرگان از کشور فرار کرده است. مجید ایوانی فرد بعدی است که با ویدا رستم‌علی‌پور، همسر ایشان مصاحبه شده و ایران تریبونال گفته که مجید ایوانی در اوین اعدام شده و یادم است دادستان از او سؤال پرسید و ما به همه بازپرسی از ویدا استناد می‌کنیم. در کتاب سیاه هم قید نشده چه وقتی، کجا و چه طریقی مجید ایوانی اعدام شده...»

ویدا رستم‌علی‌پور در گفت‌وگو با زمانه درباره گفته‌های امروز وکلای مدافع حمید نوری گفت که در روز شهادت نیز به وکیلان نوری درباره این موضوع پاسخ داده که چرا در ایران تریبونال محل اعدام مجید ایوانی را اوین ذکر کرده است. او توضیح داد که خانواده رستم‌علی‌پور در ایران نبوده‌اند و جمهوری اسلامی توضیحی نداده که در کجا و چه تاریخی قربانیان را اعدام یا دفن کرده‌اند و بازماندگان بعدتر به آن‌ها گفته بودند که مجید ایوانی را در اوین دیده‌اند. او این تناقض‌ها را جزئی و بی‌اهمیت خواند.

در ادامه وکیل مدافع حمید نوری گفت:

«... نفر بعدی حسین حاجی‌محسن که در لیست شماره سی ۲ است و گواهی فوت او را نمایش می‌دهم که طبق این گواهی فوت نوشته شده که او ۳ اکتبر ۱۹۸۸ فوت کرده و زمانش با تاریخ اعدام‌ها متفاوت است و هیچ‌کجا قید نشده او اعدام شده. در لیست کتاب اگر نگاه کنیم دو نفر هستند که به نام حاجی‌محسن ولی جای اعدام خالی است. نفر بعدی سیدمهدی برنجستانی است و در لیستی که دلجو آبادی نوشته قید شده که او در کرج اعدام شده و می‌خواهم یادآوری کنم در کرج چندین زندان وجود دارد مانند قزل‌حصار... در این لیست نوشته شده برنجستانی در اکتبر ۱۹۸۸ اعدام شده و این زمان هم خارج از دوران اعدام‌هاست. در لیست ایران تریبونال گفته شده که در گوهردشت اعدام شده اما تاریخش خارج از دوره اعدام‌هاست و او از اعضای هوادار مجاهدین بوده که طبق ادعای دادستان‌ها در سری اول اعدام‌ها او را اعدام کردند، در کتاب سیاه هم باز همان مطلب نوشته که در اکتبر ۱۹۸۸ اعدام شده. نفر بعدی علی حاجی‌نژاد است که با خواهرش مصاحبه شده و کمی قبل از بازداشت حمید نوری کتابی منتشر کرده به نام «آخرین لب‌خند لیل» و او در این کتاب چندین بار نوشته ۱۰ مهر ۶۷ اعدام شده که خارج از دوره اعدام‌هاست. در چندین قسمت از کتاب هم نوشته او از طریق جوخه اعدام (تیرباران) اعدام شده که با گفته دادستان‌ها همخوانی ندارد. اگر به لیست گوهردشت دلجو آبادی نگاه کنیم، در آنجا نوشته که علی حاجی‌نژاد در کرج اعدام شده و باید خاطرنشان کنم در کرج زندان‌های مختلفی وجود داشته و تاریخ اعدام ۱ نوامبر ۱۹۸۸ است که خارج از دوره اعدام‌هاست. نفر بعدی حسین

برهانی است که در لیست گوهردشت دلجو آبادی نوشته شده در کرج اعدام شده و طبق این می‌تواند زندان قزل‌حصار بوده باشد و در لیست ایران تریبونال نوشته محمد حسین برهانی در جولای-آگوست ۱۹۸۸ در قزوین تیرباران شده. در لیست جنایت علیه بشریت نیز نوشته شده که برهانی آگوست ۱۹۸۸ در قزوین تیرباران شده و در کتاب سیاه هم همین نوشته شده. اگر به عادل روزدار برگردیم در کتاب سیاه نوشته او در آبان ۶۷ در اوین اعدام شده از طریق تیرباران که این تاریخ خارج از بازه زمانی اعدام‌های ۶۷ است. نفر بعدی عزیزاده اعظمی است که در لیست جنایت علیه بشریت چنین استنباط می‌شود او در تهران اعدام شده، اما گوهردشت در کرج است نه تهران و در کتاب سیاه دو نفر به اسم محمود عزیزاده وجود دارد که هر دو در تهران اعدام شدند البته یکی از طریق تیرباران... همان‌طور که قبلاً گفتیم ما در دفاع نهایی لیستی از این تناقض‌ها ارائه می‌دهیم. نفر بعدی اصغر مهدی‌زاده که شاکی این پرونده است و ۱۸ نوامبر ۲۰۲۱ اظهارات او شنیده شد و ایشان مشاهدات خودش را تغییر داده که ما به چند سند استناد می‌کنیم. من در مورد این اسناد می‌خواهم سؤالاتی را مطرح کنم و می‌خواهیم برداشت خودمان از این اسناد را به دادگاه ارائه کنیم. این یادداشت اداری پلیس است که پلیس اشاره می‌کند به ایمیلی که از دلجو آبادی ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۰ دریافت کرده و دلجو آبادی گفته اصغر مهدی‌زاده در جاهای مختلف حرف‌های مختلفی زده، دلجو آبادی لینک‌هایی را هم برای پلیس فرستاده که گفته‌های متناقض مهدی‌زاده را نشان می‌دهد.

مهدی‌زاده برای JVMI دوره اعدام‌ها را توضیح می‌دهد در سال ۲۰۱۶ و اسم ناصرین و لشکری را برده اما اسمی از حمید عباسی نیست و طبق همین توضیحات لشکری می‌گوید قصد دارند آن‌ها را اعدام کنند که مهدی‌زاده غش می‌کند و وقتی بیدار می‌شود دیگر در حسینیه نیست...

اگر به مصاحبه مهدی‌زاده با عفو بین‌الملل دقت کنیم باز اسمی از حمید عباسی نیست و او گفته پاسدارها به پایهای اعدامیان آویزان می‌شدند تا جان بدهند و می‌گوید یکی از روسای زندان را دیده که فریاد می‌زند همه را بکشید... در این روایت هم هیچی از صندلی و لگد زدن به صندلی و این‌ها گفته نشده...

یک روایت دیگر هم در اسناد مجاهدین وجود دارد که اصغر مهدی‌زاده روایتی با جزئیات توضیح داده ولی اسمی از عباسی برده نشده و طبق این روایت مهدی‌زاده را شب هنگام به حسینیه برده شده آن توسط یک تواب، همین توابی که دیروز صحبتش شد و روایتی ارائه می‌دهد که متناقض است...

من می‌گویم این سه روایت از مهدی‌زاده با هم متناقض هستند و حتی با آنچه در پیشگاه دادگاه هم گفت فرق دارد و هیچ اسمی هم از حمید عباسی برده نشده. ما به چند صفحه از کتاب «تمشک‌های نا آرام» ایرج مصداقی هم استناد می‌کنیم، مصداقی در این کتاب به مطلبی تحت عنوان گزارش دهم اشاره می‌کند که باید گزارش قتل‌عام زندانیان سیاسی باشد و ما معتقدیم این کتاب توسط مجاهدین منتشر شده است، مصداقی در این کتاب می‌نویسد که دوستی به نام محمدرضا جوشقانی و گزارش دهم را کلاً در کتابش نقل می‌کند و وقتی این‌ها را بخوانیم می‌بینیم که همان حرف‌های اصغر مهدی‌زاده عیناً تکرار شده...

مصداقی این کتاب را مورد انتقاد قرار داده و مصداقی می‌گوید این مطالب واقعی نیستند و به مطالب متناقض زیادی اشاره می‌کند از جمله اینکه همه تواب‌ها به اوین منتقل شدند و ادعا می‌کند با توجه به اقدامات امنیتی که در زندان جاری بوده همچنین بیا و برویی امکان‌پذیر نبوده و می‌گوید ۳۰۰-۴۰۰ نفر را چگونه بردند به حسینیه و این امکان لجستیکی می‌خواهد... از دادگاه می‌خواهم به فضای فیلمی هم که مجاهدین تهیه کرده توجه کنید. کلاً ایرج نتیجه‌گیری می‌کند که این روایت صحیح نیست و حتی گفته از ۳۰۰-۴۰۰ صحبت شده اما اسمی از کسی برده نشده! این‌ها تناقض‌ها در مورد اظهارات اصغر مهدی‌زاده بود.»

پس از این گفته‌های وکیل مدافع حمید نوری در دادگاه ۱۵ دقیقه تنفس اعلام شد.

ایرج مصداقی از شاکیان اصلی پرونده در گفت‌وگو با زمانه درباره گفته‌های امروز وکلای مدافع حمید نوری گفت که او از ۱۸ سال پیش خواستار رفع تناقض‌ها در روایت از کشتار بوده است. مصداقی گفت که او در کتابش «تمشک‌های ناآرام» توضیح داده کشتار ۶۷ در تهران با طناب دار انجام شده و دیگر روایت‌ها از شیوه کشتار درست نیست. او همچنین گفت که در کتابش به مسئله لیست‌های مختلف از قربانیان و تناقض‌های آن‌ها نیز اشاره کرده بود. این نویسنده و فعال حقوق بشر البته اشاره کرد که برخی تناقض‌ها به دلیل عدم اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها و ماهیت مخفیانه قتل عام در تابستان ۶۷ است و طبیعی است و دادگاه نیز این مسئله را در نظر خواهد گرفت. این گفت‌وگو را در ادامه ببینید و بشنوید:

وکیل مدافع حمید نوری بعد از استراحت چنین ادامه داد:

«در مورد محمد خدابنده‌لویی که شاهد بود می‌خواهم صحبت کنم که یک کتاب نوشته و ما به بخشی از آن استناد می‌کنیم. من نمی‌دانم این کتاب چه زمانی چاپ شده ولی فکر کنم قبل از دستگیری نوری بوده، در این کتاب توضیح کامل می‌دهد در مورد ۱۱ خرداد که انتقال آن‌ها از گوهردشت به اوین بوده و جاهایی را که با رنگ سبز مشخص کردم اسامی پاسدارها برده شده مثلاً چندین بار اسم لشکری برده و حاج محمود و کلی پاسدار دیگر، اما در این قسمت شرح واقعه اسم حمید عباسی برده نشده، از نظر سمتی هم برده نشده حتی، و در مورد یک اتفاقی است که در اوین اواخر ۶۷ اتفاق افتاده در مورد آمارگیری از زندانیان که آن زمان مجتبی حلوائی و ناصریان به بند آن‌ها می‌آیند و خدابنده‌لویی خودش را پنهان می‌کند تا پیدا نشود و در تمام این روایت اسمی از حمید عباسی برده نشده است...

در ادامه می‌خواهم چکیده‌ای از گفته‌های ایرج مصداقی در میهن‌تی‌وی نشان بدهم که می‌گوید لشکریان، عباسی و ناصریان بودند که خدابنده‌لویی را کتک زدند و چشم‌اش کور شد، این را بعد از بازداشت حمید نوری می‌گوید... نفر بعدی حسین ملکی است که بنیاد برومند با او مصاحبه کرده هیچ اسمی باز از حمید عباسی برده نشده.

رویا برومند در ۲۱ ژانویه ۲۰۲۰ مدرکی را برای پلیس فرستاده و در این مدرک درباره یک اتفاق که اواخر ماه تیر رخ داده صحبت شده که نقل و انتقال زندانیان از بند ۱ به بند جهاد است و به نظر ما خیلی کامل توضیح داده شده ولی باز صحبتی از حمید عباسی نشده، در حالی که از ناصریان و لشکری اسم برده شده... در همین سند یک واقعه دیگر هم توضیح داده شده که پاسداری وارد بند می‌شود و باز اسمی از حمید عباسی یا دستیار دادیار برده نشده... باید بگویم این مصاحبه بنیاد برومند با حسین ملکی در سال ۲۰۰۹ انجام شده است. می‌خواهم حالا در مورد منوچهر اسحاقی صحبت کنم که شاهد دادگاه بود، او هم سال ۲۰۰۹ با بنیاد برومند مصاحبه کرده که ۱۲ صفحه است و از همه اسم برده مثل ناصریان، لشکری، لاجوردی و غیره ولی اسمی از حمید عباسی نبرده است.

اسحاقی در این مصاحبه از اتفاقی صحبت می‌کند که قبل از انتقال به بند جهاد اتفاق افتاده و می‌گوید دیده‌اند که چگونه لشکری و بقیه چیزهایی که لای پارچه سفید پیچیده شده را بار می‌زدند و بعداً فهمیدند اجساد اعدام شده‌ها بوده و باید دقت کنیم بند ۱ با توجه به نقشه مصداقی کجا قرار داشته است. حالا سراغ مهدی اصلانی می‌رویم، این مدارک اثباتی را قبلاً ارائه دادیم، الان فقط برای شفاف‌سازی توضیح می‌دهیم و برای اثبات این موضوع است که ادعا شده حمید عباسی (نوری) افراد را برای بردن پیش هیأت مرگ انتخاب می‌کرده. در کتاب مهدی اصلانی نوشته شده که یک نگهبان می‌آید او و ۱۰ نفر دیگر را صدا می‌کند و در روایتش اسم حمید عباسی را نبرده. اگر صفحه بعدی را نگاه کنید زمانی که مهدی اصلانی اسم حمید عباسی را آورده در زندان اوین است و دیگر هیچ توضیحی نمی‌دهد که او همان نگهبانی بوده که در گوهردشت اسم آن‌ها را خوانده است...»

دادستان در این لحظه اعتراض کرد و گفت وکلای مدافع حمید نوری وارد دفاعیه نهایی شدند و دارد موضوعات را تحلیل می‌کنند و رییس دادگاه گفت اعتراض به‌جاست و از وکیل مدافع حمید نوری خواست با این رویه ادامه ندهد. وکیل مدافع حمید نوری پذیرفت و در ادامه گفت: «سند دیگر باز از کتاب مهدی اصلانی است همان «کلاغ و گل سرخ» که اسم حاج محمود برده شده و در مورد نگهبان‌ها در گوهردشت صحبت کرده که و نام آن‌ها را برده و همچنین در مورد پرسنل زندان هم صحبت کرده، ولی اسم حمید عباسی را نبرده است. مورد بعدی مقاله مهرداد نشاطی در مجله کار است که درباره اتفاقی در تاریخ ۳۰ آگوست ۱۹۸۸ صحبت می‌کند و در هیچ کجا اسمی از حمید عباسی برده نشده. حالا در مورد حمید اشتیری صحبت می‌کنم که شاهد این دادگاه است و او در ایران تریبونال صحبت کرده اما اسم حمید عباسی را نبرده و در مصاحبه با بنیاد برومند هم اسم او را نبرده است. ما در بازپرسی از حمید اشتیری همه این موارد را مطرح کردیم و الان هم چکیده آن را مطرح می‌کنیم، در شکایتی که به دست پلیس رسید حمید اشتیری شاهد ۳۰ است و نوشته شده که از طرف دفتر وکلا از آن‌ها خواسته شده به عکس‌هایی نگاه کنند و گفته شده اشتیری به این عکس‌ها نگاه کرده بعد ما گفتیم برایمان دشوار است بفهمیم شاهدانی که به این‌جا می‌آیند در کدام بند بوده‌اند و چه زاویه دیدی داشته‌اند و همان‌طور که در تصویر می‌بینید از این‌جا بوده که حمید اشتیری می‌توانسته از حیاط زندان عباسی را ببیند، دقت کنید جلوی پنجره‌ها کرکره آهنی است...»

دادستان گفت طبق برداشت شما این یک بند فرعی است و وکیل مدافع حمید نوری تایید کرد. وکیل مدافع حمید نوری در ادامه گفت مطالبی هم در مورد رحمان درکشیده می‌خواهد بگوید:

«او در مصاحبه‌ای که با ایران تریبونال داشته اسمی از حمید عباسی (نوری) نبرده. سپس می‌خواهم در مورد مصاحبه امیر هوشنگ اطمیابی که با مرکز اسناد حقوق بشر ایران داشته صحبت کنم، در این شرحی که در آن مصاحبه داشته هیچ اسمی از عباسی نبرده در حالی که از افراد دیگر به تناوب اسم برده. وقتی شهادت اطمیابی را شنیدیم نقشه اشاره کنیم که اطمیابی گفته به نظرش دادگاه در فرعی طبقه دوم بوده ولی وقتی صحبت‌هایش را شنیدیم کمی پیچیده شد همه چیز و اطمیابی روی این نقشه که با رنگ زرد مشخص کردیم برداشت ما این است که در طبقه اول در آخرای جولای ۳ عضو هیات مرگ آن‌جا مستقر شدند و بند ۳۹ این مصاحبه می‌گوید حرف‌های را شنیده که متوجه شدند آن‌ها از اعضای کمیته مرگ هستند و وقایعی را توضیح می‌دهد از جمله بازجویی یک هوادار مجاهدین و وقایع ۸ مرداد را توضیح می‌دهد که دیده زندانیان را با مینی‌بوس به سمت حسینی می‌بردند... سپس می‌خواهیم به نقشه ایرج مصداقی و ماکتی که مجاهدین از زندان گوهردشت تهیه کرده‌اند و محل استقرار دادگاه در دفاع نهایی اشاره کنیم و خلاصه بگویم که محل‌های مختلفی برای اتاق هیات مرگ بیان شده. محمد ایزدجو هم یک کروکی در بازجویی پلیس کشیده که می‌خواهیم به آن استناد کنیم و او گفته در طبقه دوم اتاق هیات مرگ قرار داشته و در راهرویی که مقابل راهرویی است که مصداقی گفته. من می‌خواهم به عکس‌های ماهواره‌ای زندان گوهردشت اشاره کنم که ساختمانی در آن‌جا وجود دارد و به نظر ما وکلای مدافع و اگر به فیلم مجاهدین هم دقت کنید نوعی تاسیسات آن‌جا وجود دارد و با توجه به مشاهدات اطمیابی و کتاب ایرج مصداقی به نام کشتار دسته‌جمعی گفته که اعدام ۸ و ۹ مرداد در کانتینر ۳۰ انجام شده است، منظورم واحدهای ساختمانی کوچک بیرون از محوطه اصلی زندان است و مصداقی گفته ۸ و ۹ مرداد اعدام‌ها در حسینی نبوده. ما باز به مصاحبه امیر هوشنگ اطمیابی باز می‌گردیم که او سال ۲۰۰۹ گفته علامت‌هایی که در تقویم زده مشخص می‌کند چه روز‌هایی یک کامیون دیده و چه روز‌هایی دو کامیون و در ۹ مورد او در تقویم علامت‌گذاری کرده و در همین رابطه وکلای مدافع می‌خواهیم به کتاب ایرج مصداقی استناد کنیم که مشخص کرده در چه روز‌هایی در گوهردشت اعدام‌ها

انجام شده و می‌گوید غیر از این روزها هر کسی چیز دیگری بگوید اشتباه است. اهمیت روزهای ایرج مصداقی و امیر هوشنگ اطمینانی که برای تاریخ اعدام‌ها اعلام کرده مهم است که در دفاع نهایی آن را بیش‌تر باز می‌کنیم.»

پس از این گفته‌های وکیل مدافع نوری بخش دیگری از دادگاه آغاز شد. در نوبت بعد از ظهر دادگاه حمید نوری، ادامه بازپرسی از رحمان درکشیده از سر گرفته شد. رحمان درکشیده ساکن هلند است و از طریق ویدیو کال در جلسه حاضر شده بود. او هم‌محلای حمید نوری بوده و او را می‌شناسد. او در شصت و سومین جلسه دادگاه شهادت داد.

وکیل مدافع حمید نوری گفت تنها چند سؤال از رحمان درکشیده دارد و چون زمان زیادی از آخرین باری که صحبت کردند گذشته است، خلاصه‌ای از آنچه در جلسه قبل گفته شد را می‌گوید. رحمان درکشیده گفته بود ۱۸ بهمن ۱۳۶۷ آزاد شده و همسایه خانواده حمید نوری بوده. وکیل نوری پرسید بعد از آزادی کجا زندگی می‌کرده؟

رحمان درکشیده: «به همان خانه برگشتم چون پدر و مادر خانه را فروخته بودند و در شهر لنگرود یک خانه خریده بودند رفتم آنجا...»

وکیل مدافع حمید نوری: بعد از آزادی اطلاعاتی گرفتی که خانواده حمید نوری نقل مکان کردند یا همان‌جا ماندند؟

رحمان درکشیده: با اطمینان نمی‌توانم بگویم، اما شنیدم دیگر آنجا نیستند. از یک دوست قدیمی این را شنیدم... نمی‌توانم اسمش را بگویم چون منطقی نیست.

وکیل حمید نوری: چرا آن‌ها از آنجا رفتند؟

رحمان درکشیده: من دقیق یادم نیست الان ...

وکیل حمید نوری: از لحاظ زمانی چه وقت این دوستت گفت حمید نوری و خانواده‌اش از آنجا رفتند؟

رحمان درکشیده: فکر می‌کنم ۳-۴ سال بعد از آزادی‌ام او را دیدم...

وکیل حمید نوری: بعد از آزادی تو یک دوست قدیمی آنجا داشتی رفتی به او سر بزنی؟

رحمان درکشیده: خیر، من فقط یک بار با ماشین خودم از آنجا رد شدم.

وکیل حمید نوری: «دفعه قبل گفتی یک بار سال ۱۳۶۵ به دادیاری اوین رفتی و چشم‌بند داشتی و شخصی از تو سؤال پرسیده و این سوالات افشا کرد سؤال کننده کیست، چون فقط سئوالاتی بود که بهمن یا برادرت می‌دانستند، بعد چیز دیگری گفتی که من درست متوجه نشدم، برای همین الان می‌خواهم بپرسم. فکر کنم گفتی یک پاسدار وارد شد و گفته تو همسایه او هستی، می‌توانی توضیح بیش‌تری بدهی؟»

رحمان درکشیده: ابتدا بگویم وقتی خوب فکر کردم نوری سعی کرد فقط سؤال از من بپرسد اصلاً حرف نمی‌زد، شاید می‌ترسید من از روی صدا بیش‌تر بشناسمش بعد وقتی همه سئوالات را پرسید و بازجویی تمام شد برای این‌که من را گمراه کند و فکرم را عوض کند، این نمایش را این‌گونه ترتیب داد که بعد از بازجویی یک نفر داخل بیاید، البته شاید نشسته بود و فقط در را باز و بسته کرد که من فکر کنم تازه وارد شده و شروع کرد به گفتن این‌که این بچه محل ماست، ولی این‌قدر مسخره این نقش را ایفا که من خنده‌ام گرفت...»

وکیل حمید نوری: می‌دانی کسی که وارد شد کی بود؟

رحمان درکشیده: نه من چشم‌بند داشتم...

در این زمان یک کودک از اعضای خانواده نوری وارد اتاق دادگاه شد و رییس دادگاه گفت جای مناسبی برای بچه نیست و خواست او را بیرون ببرند.

پس از این اتفاق وکیل حمید نوری این‌گونه ادامه داد: «من این سؤال را می‌پرسم چون در بازجویی پلیس این ماجرا را تعریف کردی، آیا همین نقش بازی کردن آن فرد هم صحبت کردی؟»

رحمان درکشیده: یادم نیست ...

وکیل حمید نوری: من می‌گویم نگفتی، و الان گفتی شاید نوری می‌ترسید صدایش را بشناسم، آیا آن موقع صدای نوری را شناختی؟

رحمان درکشیده: «همان‌طور که توضیح دادم و مشخص است، من از روی سئوالات فهمیدم حمید نوری است...»

رئیس دادگاه در این هنگام اعتراض کرد و گفت سئوال‌ها تکراری پرسیده می‌شود.

وکیل حمید نوری ادامه داد:

دفعه قبل گفتی پدر و دو برادرت وقتی به ملاقات تو آمدند، دستگیر شدند و استنباطات این بود حتما حمید نوری دست داشته، چه زمانی آن‌ها بازداشت شدند؟

رحمان درکشیده: البته استنباط نیست، مطمئن هستم. هیچ دلیل دیگری ندارد بگویید چرا برادرهایش به ملاقات نمی‌آیند؟ من این‌ها را توضیح دادم قبلا ...

وکیل حمید نوری: چه وقتی دستگیر شدند؟

رحمان درکشیده: «تاریخش را مطمئن نیستم ولی من اوین بوم و بعد از جلسه‌ای بود که در دادیاری داشتم و احتمالا چند ماه بعد از آن برخورد اولم با او است، چون بعدش بندم را عوض کردند.»

وکیل مدافع حمید نوری: سئوال آخر، دفعه قبل گفتی این عباسی زیر دست ناصریان بوده و ناصریان سمت بالاتری نسبت به این عباسی داشته درست است؟

رحمان درکشیده: بله

وکیل حمید نوری: سمت رسمی ناصریان در گوهردشت چی بود؟

رحمان درکشیده: من نمی‌دانم آن دفعه هم گفتم، همه کاره زندان بود. همین سئوال را پرسیدید گفتم نفر اول زندان بود.

رئیس دادگاه هم گفت دفعه قبل همین سئوال‌ها را پرسیده و همین پاسخ را شنیده است. با این پاسخ جلسه بازپرسی از رحمان درکشیده به پایان رسید. بعد از پایان جلسه بازپرسی تکمیلی از رحمان درکشیده، ادامه شرح مواقع توسط وکلای مدافع حمید نوری از سر گرفته شد.

وکیل مدافع حمید نوری گفت:

«در ادامه می‌خواهم درباره حسین فارسی صحبت کنیم، طبق اسناد و مدارک حسین فارسی ادعا کرده حمید عباسی را دیده یا فردی که لباس شخصی می‌پوشید و این واقعه همزمان با ورود او به گوهردشت در سال ۱۳۶۶ بوده... حسین فارسی در کتابش تاریخ ورودش را نوشته که ۲۰ بهمن ۱۳۶۶ است و ما وکلای مدافع می‌خواهیم اشاره کنیم که در این صفحات کتاب ۷ بار اسم ناصریان و لشکری برده می‌شود و ۱۷ بار واژه پاسدار انقلاب آمده ولی هیچ اسمی از حمید عباسی برده نشده. عکسی را نشان می‌دهیم که پله‌ها در حیاط گوهردشت را نشان می‌دهد، ما این پله‌ها مدنظرمان است که بعدا در رابطه با رفت و آمد فرغون‌ها بیش‌تر درباره‌اش توضیح می‌دهیم.

سند بعدی از ایران تربیونال است که دادستان اصلا به آن استناد نکرده، قبلا جزو اسناد جانبی بوده اما الان جزو اسناد اصلی است، در این سند اسم امیر هوشنگ اطمیابی، مهدی اصلانی و ایرج مصداقی وجود دارد و هیچ اسمی هم از حمید عباسی (نوری) وجود ندارد... یک گزارشی هم از سازمان ملل وجود دارد به تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۸۹ که نماینده سازمان ملل گالیندوپل تهیه کرده و ما این گزارش را ارائه می‌دهیم چون آن‌ها هم یک لیست دارند در مورد زندانیانی که ادعا می‌شود اعدام شدند، ما به این سند استناد کردیم چون برخی از اسامی که دادستان اشاره کرده در این لیست هم وجود دارد، ما مقایسه کردیم و یک لیست هم خودمان تنظیم کردیم بر همین اساس اسامی‌ای که رنگی شده از طرف ما

وکلاي مشاور است و يعنى اين اسامى در ليست سازمان ملل وجود دارد و از همين حالا بگويم من صد در صد مطمئن نيستم چون اين اسامى به شـكلـهاى مختلف نوشته شدند، ولى اكثر اسامى ليست دادستان در ليست سازمان ملل وجود ندارد و حتى اسم زندانـهاى مختلف و تاريخـهاى متفاوت وجود دارد و فقط يك اسم در اين ليست سازمان ملل وجود دارد كه در گـوهرـدشت اعدام شده و آن هم در مقطع اعدامـها نبوده. آخرين مدركى هم كه استناد مى كنيم مدرك اثباتي نيست، بلكه مى خواهيم نشان بدهيم همه ليستـها را كنار هم گذاشتيم و تفاوتـها را نشان مى دهـد.»

دادستان در اين جا اعتراض كرد و گفت وكلاي مدافع حميد نوري مجدداً در حال تحليل كردن هستند و وكيل نوري گفت تنها سعي دارند حقيقت را نشان بدهند كه چگونه اين ليست را تنظيم كرده اند.

وكيل حميد نوري در ادامه صحبت ايش در اين جلسه دادگاه گفت:

«در خاتمه مى خواهم در مورد درخواست دادستان درباره كمك حقوقى و قضايى بگويم كه ما وقتى دادگاه شروع شده بود نظر خودمان را گفتيم و در دفاعيه نهايى لازم مى دانيم دوباره به اين مسئله برگرديم. دادستان خودش گفته بود وقتى در اين باره صحبت مى كنيم غير علنى باشد فقط مى خواهم بگويم كه آنـها را تحويل دادگاه مى دهيم.»

رئيس دادگاه گفت نمى توان برگه اى ارائه داد و بگويد اين جزو اسناد باشد يا نه و وكيل حميد نوري گفت اين درخواست دادستان بوده كه علنى صحبت نشود. وكيل حميد نوري گفت مى خواهند بدانند چگونه دادستانـها درخواست كمك قضايى از قوه قضاييه ايران كرده اند و چه نوع درخواستـهاى داشته اند و رئيس دادگاه گفت آنـها درخواست كرده اند و جواب نداده اند همان طور كه خود شما درخواست كرده ايد و جوابى نگرفته ايد.

دادستان گفت چون ممكن است تا پايان دادگاه به او جواب بدهند نمى تواند همچنان در اين باره صحبت كند و قصد ندارد سئوالـتش را افشا كند چون شايد تا پايان دادگاه به او پاسخ بدهند. رئيس دادگاه گفت چون اين مسئله محرمانه است ما بايد غير علنى مشورت كنيم و بعد نتيجه را اعلام مى كنيم.

رئيس دادگاه از حاضرين خواست از دادگاه بيرون بروند و ادامه جلسه محرمانه برگزار مى شود.

بعد از يك جلسه مشورت غير علنى درباره نحوه درخواست كمك قضايى دادستان از قوه قضاييه ايران، دادگاه دوباره به صورت علنى از سر گرفته شد.

حميد نوري هم مشورت كوتاهى خارج از سالن دادگاه با وكلاي مدافعش داشت. وكلاي مدافع حميد نوري گفتند در مورد محرمانه بودن درخواست دادستان حرفى ندارند و گفتند مى خواهند سئوالى در مورد پيامكـهاى تلفن حميد نوري كه ديروز مطرح شد از او بپرسند.

وكيل مدافع حميد نوري: «ديروز در مورد محسنى اى اژه اى سؤال شد كه حميد پيامكى براى او فرستاده به تاريخ ۲۰ مه ۲۰۱۸ و حميد نوري جواب را داد اما مى خواهم جوابش را بسط بدهم. حميد نوري لطفاً بگو به كى فرستادى و چرا؟ حميد نوري: «گفتم دو بار محسنى اى اژه اى را به افطار دعوت كردم، ديروز وكيل محترم اين را نشان نداد منم چشم هـايم نمى ديد، ولى وقتى ديدم متوجه شدم نوشتم بچه هاى اوين هستند در اين مراسم، خب من مدام ۲ سال و ۴ ماه است مى گويم در اوين كار كردم و چهار سال پيش هم محسنى اى اژه اى را دعوت كردم و گفتم حاج آقا بچه هاى اوين هستند... اين مدرك من نشان ندادم، اين هم كار خدا بود آقاى لوتيس نشان داد، تمام شد... آقاى توماس ساندر خواهش مى كنم يك بار ترجمه سويدنـش را بخوانيد تا آخر دادگاه هم هيچ خواهش ديگرى از شما ندارم. ممنونم كه وقت داديد.»

كنت لوتيس: مى خواهم مترجمـها متن فارسى را نگاه كنيد ببينيد درست است؟

مترجم توضيح داد كه در ترجمه سويدنى نوشته شده «بچه هاى قديم و اوين در مهمانى هستند» ولى در متن فارسى نوشته شده: «بچه هاى قديم اوين هستند.»

کنت لوئیس: من که نگفتم تو در اوین بودی.

حمید نوری: «من فقط در اوین کار می‌کنم و ۳۴ سال است افطار می‌دهم و فقط بچه‌های اوین را دعوت کردم، اگر می‌خواستم بچه‌های رجایی‌شهر را هم دعوت کنم می‌نوشتم بچه‌های قدیم اوین و رجایی‌شهر هم هستند. این کار خداست، من ممنون شما هستم. من و شما با هم هستیم باید مقابل ایرج بایستیم او به من و شما توهین کرده...»

بعد از این سخنان رییس دادگاه پایان جلسه امروز را اعلام کرد و گفت فردا جفری رابرتسون، وکیل حقوق بشری در دادگاه شهادت خواهد داد. گزارش جفری رابرتسون جزو اسناد پرونده دادگاه است.

همچنین در پایان جلسه در بحث درباره جلسه روز آینده، قاضی در پاسخ به تقاضای کنت لوئیس گفت که پرونده حمید نوری به اتهام نسل‌کشی ربطی ندارد و مدارک و سندهای لازم برای صدور حکم نسل‌کشی از نظر حقوقی در کار نیست. قاضی گفت این تصمیم قطعی است و حق شکایت نیز وجود ندارد.

در حاشیه دادگاه امروز، محمدرضا نیلی، کاردار سفارت ایران در سویدن با شماری از حاضران و اتباع ایرانی حاضر در محوطه دادگاه درگیری لفظی پیدا کرد. این کاردار حکومت اسلامی حرف‌های رکیکی به خانم گیسو شاکری زد.

این درگیری پس از آن رخ داد که نیلی در زمان تنفس دادگاه از حاضران در محوطه دادگاه فیلم‌برداری می‌کرد. حاضران در محوطه به او اعتراض کردند و این اعتراض‌ها، پاسخ تند و در عین حال بسیار رکیک جنسی این مقام حکومت اسلامی ایران را به دنبال داشت. البته چنین فرهنگ فحاشی و تهاجمی در فرهنگ حکومت اسلامی ایران عمومیت دارد به خصوص در زندان‌ها علیه زندانیان!

جلسه امروز با اعلام موضوع مهمی از سوی توماس ساندر، قاضی دادگاه به پایان رسید. بسیار عجیب است که او اعلام کرد که به نظر دادگاه، پرونده حمید نوری به نسل‌کشی ارتباطی ندارد. او گفت ادله لازم برای صدور حکم نسل‌کشی از نظر حقوقی در این پرونده وجود ندارد، بنابراین تقاضای کنت لوئیس رد می‌شود.

کنت لوئیس قبلاً تقاضا کرده بود که با استناد به گزارش قاضی جفری رابرتسون، اتهام نسل‌کشی به سایر اتهامات حمید نوری اضافه شود. قاضی اعلام کرد که حکم دادگاه مبنی بر رد اتهام «نسل‌کشی» قطعی است و در مورد آن حق فرجام وجود ندارد.

در این جلسه دادگاه محمدرضا نیلی، سرکنسول سفارت جمهوری اسلامی ایران در استکهلم، به همراه همکارش علاءالدین ارحان میرمحمدی به شعارهای «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «لعنت بر خمینی» و «مزدور برو گم‌شو» حاضران و تظاهرکنندگان در مقابل ساختمان دادگاه و اکنش نشان دادند.

محمدرضا نیلی از پلیس سویدن درخواست کرد که معترضان در محل دادگاه را وادار به سکوت کند، اما با پاسخ منفی مواجه شد.

محمدرضا نیلی پیش‌تر نیز با به کار بردن عبارتی رکیک و جنسیت‌زده در مقابل چشمان حاضران در راهروی دادگاه نسبت به گیسو شاکری، هنرمند ساکن استکهلم به او توهین کرد. گیسو شاکری از نیلی خواسته بود توضیح بدهد که چرا از او فیلم می‌گیرد.

جلسه بعدی دادگاه فردا پنج‌شنبه نوزدهم اسفند ۱۴۰۰ با شهادت قاضی جفری رابرتسون برگزار خواهد شد. گزارش جفری رابرتسون یکی از مهمترین ادله اثباتی کتبی دادستان‌ها در کیفرخواست علیه حمید نوری است.